

چه غم که نامه یغما است یادگار حبیب
تلاش روز و شب و جهد بیست ساله او
خوشا «حبیب» و سخن‌های روح پرور او
لطیف و ساده و شیرین بود سروده او
خجسته است خصال «حبیب یغمائی»

که داده است بدو نام جاودانی را
نصیب کرده بدو شهرت جهانی را
که آشکار کند راز نکته دانی را
چگونه گوید شعر بدین روانی را ؟
که داده است بسا درس مهربانی را

رواست گر که بنازد بدو جهان ادب
که صرف کرده براه هنر جوانی را

ابراهیم صهبا

-۱۵-

گرامی حبیبیا سخن پرورا
خرد راست قند از گران قدر تو
حبیبی و محبوب صاحب‌دلان
هنر سنج را پایمردی به تست
زدانش بهر جا گشاده دریست
گهرها بدمت آوری شایگان

سرافراز مردا بلند اخترا
جهان ادب روشن از بدد تو
قبول تو سرمایه مقبلان
که بادت روان خرم و تن درست
تواضع کنانت بر آن درسیست
فشانی به همسایگان دایگان

زچشم و زجسم و زجان کاستی
پژوهنده شیوه باستان
سخن را نگه‌داشتی سال بیست،
ادب را زدی حلقه بر هر دری
یکی دانه را خوار نشناختی
نه آنگونه خرمن که برهم نهی
خرد را ز «یغما» ست سرمایه‌ها

یکی نامور نامه آراستی
گزارشگر مکتب داستان
بکامت بماناد سالی دویت
پژوهنده گشتی بهر دفتری
زهر دانه‌یی خرمنی ساختی
که بر هم نهی تا به «یغما» دهی
بسایهش گرازان گران سایه‌ها

مکن از ادب ناشناسان گله
ملفزاد در نیمه ره پای تو
متاع تو کالای بازار نیست
ترا گوهری طرفه برخاتم است
خردمند را شکوه در خورد نیست
همه گرمی افشان چو خوردشید باش
مشور نجه گر کیسه‌ات از زرتهی است
بهل سیم را کان دیگر کست
در علم بر هر کسی باز نیست
ز محمود و فردوسی پاک منز

که گسترده باید ترا حوصله
مبادا دگرگون شود رای تو
مخورد غم گران را خریدار نیست
دریفا خریدار گوهر کم است
دلت گرم باد این دم سرد چیست
امید آفرین شو به امید باش
تهی کیسه‌یی چون ترافره‌ی است
ترا خامه گوهر افشان بست
که را آرز باشد ترا آرز نیست
تو خود گفتی این را و گفتی است نغز

زمانه سراقرازتر ساختش
همان جام ناکامیش کام داد
خدای سخن رفت و محمود هم
وزین آنچه ماند زخود کامه‌یی
که اجرت اگر نیست شدارج هست
ترا دامن آکنده از گوهرست

برای خوش بر آن یاوه تازان مبین
بود باغ را بلبل و زاغ هم

ز بیداد اهریمنان پاس دار
نگهبان آن خسروی گنج نیست
بمان ای روان بخش آمالها
برومند بودی برومند باش
حسین پژمان بختیاری

که محمود اگر قدر نشناختش
ز طبعش یکی ایزدی نام داد
حدیث زیان هیچ شد سود هم
بجا ماند از او خسروان نامه‌یی
مرنج ار که دخلت نه و خرج هست
اگر دامن آزیان پر زرست

بفوغای این نو طرازان مبین
که صحرا بود ملک را باغ هم

سخن را تو ای ایزدی پاسدار
کرا جز تو پایاب این رنج نیست
بکام دل دوستان سالها
بخمتگری شاد و خرسند باش

-۱۶-

... وصول اولین شماره از بیستمین سال مجلهٔ ینما را بر آن داشت که با وجود کثرت مشغله اشعاری ساخته و سالگرد آن مجله را بحضور عالی تهنیت عرض کنم. آنان که بنده را از نزدیک می‌شناسند واقفند که هیچوقت برای کسب شهرت یا محبوب شدن زبان بمدح و ثنای کسی نگشودم مگر آنکه مدوح اهل علم و ادب باشد.

درین عصر که حقا باید آنرا عصر ماده و ماده پرستی نامید اگر کسی یافت شود که عمر و هستی خود را وقف ترویج علم و ادب کند بدون چشم داشت همه چیز خویش را در این راه مصروف سازد چنین کسی شایستهٔ مدح و در خور هزار گونه تحسین است. پس اگر ملاحظه فرمودید که برخلاف سیرهٔ مدحت سرانی کرده‌ام علم و ادب را ستوده و مروج آنرا مدوح قرار داده‌ام. پاداش این خدمت بزرگه را با چند بیت شعر ناقابل نمیتوان ادا کرد اما بحکم مالا یدرک کله لایترک کله، این ابیات را بحضور عالی تقدیم میدارم و امیدوار هستم که مورد قبول طبع مشکل پسند آندوست ارجمند واقع گردد. اسفهان - ۲۴/۲/۴۶

داست خواهی دلبر و دلبنده اوست
در دلش ره نیست چون و چند را
زشتی و زیبایی این جا شرط نیست
باشد اندر لفظ و معنی نادرست
چشم در پوشد زعیب و نقص آن

شعر شاعر در مثل فرزند اوست
دوست دارد هر کسی فرزند را
پیش او فرزند خوب و بد یکبست
همچنان شعری اگر افتاد سست
شاعر، آنرا دوست میدارد بجان

پروراند زاده افکار را
 که جدا سازد نکو را از ذفل
 در پسندید نیک و بد را رد کند
 تربیت مطلوب و او طالب بود
 باید افزون تر شناسد تا پسر
 تربیت گردد بر آموزگار
 نیست ما را این زمان غیر از حبیب
 کودکان طبع او را پاسدار
 خدمت او را بجان تضمین کنند
 خازن گنجینه در و گهر
 گوهری غیر از حبیب امروز کیست؟
 نامه یفما گواه مدعاست
 کرده روشن چشم خاص و بزم عام
 خازن گنج ادب باید ادیب
 ای بر این همت هزاران آفرین ا
 کیست تا از همتی خود بگذرد
 بی تکلف خدمت مردم کند
 کی شود حاصل بدست دیگران
 هر کسی محرم درین درگاه نیست
 تا شود روزی حبیب خاص و عام

باد یفما نامبردار از حبیب
 اهل معنی کامیاب از خامه اش
 نامه اش چون سکه صاحبقران
 وز گزند دهر جانش دور باد
 فخرش این بس بیندار مقبول اوست
 مجید اوحدی یکتا

-۱۷-

بر روان حبیب یفمایی
 به نکو خواهی و نیکو رایی
 نظم و نثرش فصاب شیوایی
 جهدی و کوششی تماشایی
 همچو خوبان کند دلارایی
 در کمال شکوه و زیبایی

آنکه سازد جمع این اشعار را
 هست چون آموزگای در مثل
 او تواند فرق نیک و بد کند
 عقل بر احساس او غالب بود
 قدر این آموزگاران را پدر
 زانکه طفلی زشت خوی و بد شمار
 پاسدار فکرت و رای ادیب
 اوست چون آموزگاری هوشیار
 شاعران باید از او تحسین کنند
 کیست جز او حافظ شعر و هنر
 هر گهر را گوهری داند که چیست
 تا نپنداری که این قولی خطاست
 بیست سال این نامه چون ماه تمام
 آن بود گنجی و گنجورش حبیب
 همت والا و پشت کار بین
 از پی ترویج بازار خرد
 نقد ایام جوانی کم کند
 این بود از خصلت پیغمبران
 رهبری در خورد هر گمراه نیست
 سالها باید که گردد پخته خام

تا ادب باشد ملازم با ادیب
 جاودان بادا حبیب و نامه اش
 خامه اش چون تیغ شه گیتی ستان
 خاطر او خرم و مسرور باد
 این هدیت باشد از یکتا بدوست

از صفاهان هزار بار درود
 مرز دار بزرگوار سخن
 خلق و خویش کتاب نیکویی
 بیست ساله تمام کوشش و جهد
 تا همواره مجله یفما
 دفتر نفز و نامه ای پر مغز

سالها کار و سالها پیکار
 خویش نوری و مجلس افروزی
 خدمت آنهم چنین اصیل و فحیم
 جمع یاران ستایش تو کنند
 همه را شعر شیخ شیراز است
 همه چشمیم تا برون آئی
 و سر ما و آستان خدمت تو
 تا سر سرفراز اهل ادب
 خرم و شاد باد و سالم باد

همه را نیست این توانائی
 اینست روشندلی و والائی
 نیست جز فرع فضل و دانائی
 نه منم مدح خوان به تنهائی
 منطق اشتیاق و شیدائی
 همه گوشیم تا چه فرمائی،
 گر برائی و گر بیخشائی،
 برترست از سپهر مینائی
 تن و جان حبیب یغمائی
 اصفهان - خرداد ۱۳۴۶

سید مجتبی کیوان

بیست و پنجمین سال یغما

پیامهای مراکز علمی و فرهنگی

- ۱ -

انجمن آثار ملی سالیان متمادی است که با مجلهٔ ارزندهٔ یغما همه نوع همکاری داشته و دارد و پیوسته نسبت به ادامهٔ انتشار مجله و صاحب امتیاز فداکار آن جناب آقای حبیب یغمائی که با کوشش و پایداری قابل ستایش این خدمت مفید را انجام می‌دهد احساس احترام و حق شناسی فراوان می‌کند و نشانه‌ای از آن، مشترک بودن مجلهٔ نامبرده از طرف انجمن است که منحصر به همین مجله می‌باشد.

همواره توفیق روز افزونشان را در خدمات بی شائبهٔ فرهنگی و ملی و معنوی مسئلت می‌نماید.

در پایان همت و ابتکار عناصر گرامی دستداران مجلهٔ یغما، که اندیشهٔ قدر شناسی از چنین شخصیت فرهنگی گرانقدر و توجه به ادامهٔ انتشار مجلهٔ ارزندهٔ نامبرده در طول بیست و پنج سال را ابراز داشته و مراسمی انجام می‌دهند، نیز بنوبهٔ خود مورد کمال ستایش و سپاس انجمن آثار ملی است.

رئیس هیأت مدیرهٔ انجمن آثار ملی

سپهبد فرج الله آق اولی

- ۲ -

خدمات ارزندهٔ مجلهٔ یغما در معرفی فرهنگ ایرانی و زمینه‌های ادب فارسی و مجاهدات و مساعی جمیله و ممتد مدیر فاضل و ارجمند آن در این راه سزاوار قدردانی و سپاس است. از آنجا که فرهنگ و مظاهر مختلف آن در جوامع متمدن امروز و آینده و در مسیر تحولات علمی و فنی پیوندی ناگسستنی بین گذشته و حال بشمار می‌آید و تمدن هر ملت در قالب فرهنگ آن شکل می‌پذیرد، نقش مجلهٔ یغما در این طریق حائز اهمیت است. به این سبب آرزومند است که فاضل گرامی آقای حبیب یغمائی در این کوشش ثمر بخش موفق و مؤید باشند و راه درازی را که با زحمت و کامیابی به خاطر علم و ادب ایرانی سپرده‌اند در سالهای

آینده نیز با اشتیاق و توفیق روزافزون ادامه دهند .

رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران
علی اصغر حکمت

- ۳ -

شاید روزی که سخنور دانشمند استاد حبیب یغمائی دست به انتشار مجلهٔ یغما زد صاحب نظران گمان نمی بردند با دشواریهایی که در کار بود و هست او بتواند از آن نهال نو دمیده درختی تفاور و بارور و سایه گستر بسازد. امروز که بیست و پنجمین دورهٔ «یغما» منتشر می شود البته بر دوستان و شیفتگان زبان و ادب فارسی واجب است به همتی که به رغم آن همه مشکلات به نیروی عشق و بیداری در این راه پیش می رود آفرین بگویند . اما تنها آفرین گفتن کافی نیست. سزاوار است دستهایی که تا کنون بیشتر به علامت تحسین جنبشی کرده و آهنگ تمجیدی سر داده اند به مددکاری برخیزند و آنچه آن که باید و شاید این ناخدای پیر را که همچنان در دریای طوفانی کشتی می راند یاری کنند .

حبیب سالهاست که مردانه می کوشد وی شک مانند همه ستایشگران صمیمی خود آرزو مند است که اگر او روزی ناگزیر شود به عذر سالخوردگی دست از کار بکشد در انتشار مجلهٔ یغما که یادگاری گرانبهائی از رنجهای طاقت فرسای اوست وقفه ای پیش نیاید .

رئیس مرکز بررسی و معرفی فرهنگ ایران
غلامعلی رعیدی آذرخشی

- ۴ -

یکی از بهترین مجلاتی که در نیم قرن اخیر در ایران به طبع رسیده بی شک مجلهٔ ادبی یغما است . این مجله از همان ابتدا به نشر بهترین آثار ادبی و تحقیقات در زمینهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران پرداخت و تا امروز این کار را ادامه میدهد. در طول این مدت مجلات ادبی بیشماری در ایران بچاپ رسیده ولی معدودی از آنها بطور مرتب منتشر شده است باز تعداد کمتری بوده که بیشتر از ۲۵ سال و حتی کمتر دوام پیدا کرده است . همت و اراده و دانائی مدیر مجله تا این حد است که مجله را علاوه بر آن که بطور مرتب انتشار داده توانسته است آن را تقریباً در يك سطح و با يك سطح مشخص نگهدارد . مطالب آن از اول متنوع بوده و اکنون نیز چنین است . بهترین مقالات تحقیقی از استادان فقید و محققین معاصر همیشه در یغما چاپ می شده و دانش طلبان برای اطلاع از تحقیقات جدید همیشه چشم به راه این مجله بوده اند. تحقیقات تاریخی و ادبی و جغرافیائی و مطالب مربوط به تاریخ ادبیات و لغت و زبان فارسی و شعر معاصران و قدما همیشه در یغما جای مخصوص بخود داشته است . روی هم رفته می توان گفت که مجلهٔ یغما خدمتی شایسته به فرهنگ ایران انجام داده است و باید سرمشق سایر مجلات ادبی ایران باشد .

رئیس هیئت مدیرهٔ نگاه ترجمه و نشر کتاب
جعفر شریف امامی

-۵-

چه دلیلی برای موفقیت مجله‌ای ادبی بهتر از این می‌توان اقامه کرد که در مدت يك ربع قرن ، خوانندگان آن راضی ، علاقمند و روزافزون بوده‌اند .

رئیس لغتنامه سازمان دهخدا

سید جعفر شهیدی

-۶-

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران بنا بر وظیفه خطیری که در حفظ و حراست آثار باستانی و میراث‌های فرهنگی این کشور کهن به عهده دارد بر خود فرض می‌داند که از همه افراد میهن‌پرست و عوامل مؤثری که در نگه‌داشت و معرفی و گرامی داشتن این میراث‌های فرهنگی به نحوی از انحاء مساعی جمیله مبذول می‌دارند ستایش کند و به آنان بادیده تکریم بنگرد .

از جمله این عوامل مؤثر و از زمره این افراد بیدار دل مجله وزین یفما و مؤسس فرزانه آن است . آقای حبیب یفمائی که خود از ادبای بنام ایران و یکی از گویندگان برجسته کشور ادب پرور ما بشمار می‌رود از يك ربع قرن پیش تنها با انگیزه ادب پروری و فرهنگ دوستی ، نه بخاطر نامجوئی و زر اندوزی ، دست به بنیاد مه نامهای شیوا زد که اکنون بیست و پنج سال از عمر پربار آن می‌گذرد .

مجله یفما از آغاز پیدایش صفحات خود را با اشعار بلند و نوشته های رسای يك دسته از برگزیدگان ادب و هنر این آب و خاک زیور بخشید و سهم خود مشعل فروزان دانش و فرهنگ این کشور باستانی را تا کنون همواره روشن نگاه داشته است .

مجله یفما که با قطع و چاپ مرغوب هر ماه مرتب منتشر می‌شود حاوی يك سلسله مطالب گوناگون علمی و ادبی است که مورد احترام و استفاده ادب دوستان قرار می‌گیرد . مخصوصاً قسمتی از مطالب آن که گهگاه به معرفی یکی از آثار تاریخی می‌پردازد و با شرح نمونه‌ای از هنرهای باستان می‌کوشد و یا روشنگر گوشه‌ای تاریک از تاریخ این مرز و بوم می‌گردد . از نظر این سازمان ارج بسیار دارد .

بنابر این ضمن آرزومندی دوام این نامه گرامی و کامیابی مؤسس دانشمند آن امیدواریم که این وظیفه مقدس میهنی یعنی نشر و اشاعه فرهنگ کشور توسط مجله وزین علمی پیوسته دوام یابد و در آینده مجله گرامی یفما مخصوصاً در معرفی آثار تاریخی و یادگاری‌های جاودانی کشور به ابناء وطن نقش بزرگتر و مؤثری ایفا نماید .

مدیرعامل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

محمود مهران

-۷-

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی در باره تجلیل از خدمات آقای حبیب یفمائی مدیر مجله یفما چنین اظهار نظر کرده است : «مجله یفما یکی از بهترین مجلات علمی و ادبی کشور است و در این بیست و پنج سال توانسته است خدمت شایسته‌ای به فرهنگ و ادب این

کشور بکند . بنابراین هر نوع تجلیلی از این مجله بعمل آید سزاوار و در خور است .
رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی
سید حسین نصر

چند پیام دوستانه (به ترتیب الفبائی نامها)



چندین سال پیش از این که بمنظور تجلیل از مجلهٔ «ینما» مجلسی در طهران آراسته شده بود با یکدنیا شور و شوق و ارادتمندی خالصانه مختصر پیامی تقدیم داشتم و نوشتم اولین بارست که افسوس می‌خورم که طبع شعر ندارم تا بزبان شعر که زبان عواطف و احساسات عمیق درونی است آنچه را دربارهٔ مجلهٔ «ینما» و مدیر محترم بسیار باهمت و فداکار آن یعنی استاد بزرگوار آقای حبیب یغمائی فکر می‌کنم و بدان عقیده دارم بیان نمایم .
امروز باز پس از سالهای بسیار کاملاً همین فکر در مخیله‌ام می‌گذرد و همین افسوس را دارم . دلم می‌خواست زبان گویا و رسائی مانند زبان قآنی و لطف بیانی چون سعدی و رقت اندیشه‌ای چون حافظ می‌داشتم تا آنچه را شایستهٔ مجلهٔ «ینما» و مدیر گرانقدر آن است بروی کاغذ آورده ارسال دارم .

نظر من دربارهٔ انتشار مجلهٔ «ینما» همانا نظری است که کرورها از هموطنان ما دارند و تمام بیگانگانی که شمارهٔ آنها بسیار است و از دور و نزدیک بزبان و ادب و فرهنگ و آب و خاک ایران دلبستگی دارند . یعنی مجلهٔ «ینما» را یکی از ارکان مؤثر و صلاحیتدار خدمت‌گزاری بزبان و ادب و فرهنگ و آب و خاک ایران می‌دانم . معتقدم که مدیر محترم آن مجله در ظرف این مدت دراز که یک ربع قرن می‌شود باهمت و عشق خستگی ناپذیری و در حالی که عموماً این بیت زبان حالش بوده :

پیری و غربت و تنهایی و فقر و غم عشق

چشم بد دور که اسباب طرب موجود است

و با مشکلات و موانع گوناگون بسیاری که یکی از آنها همان مضیقهٔ مالی و دست‌تَنهایی است و جا دارد بگوئیم واقعاً با خون دل این مجله را چون طفل ناز پرور در دامن همخواری خود پرورده است و بیست و پنج سال از بهترین سالهای عمر خود را ، روزگارانی را که سایر مردم دنیا عموماً بخوشگذرانی و تحصیل مال و منال و جاه و مقام می‌گذرانند ، او در راه تربیت فکری و معنوی هموطنان خود و بیگانگان ایران دوست مصروف داشته است . هم‌چنانکه راقم این سطور در مدت بیست و پنج سال هر ماه از هر شمارهٔ «ینما» درسها گرفته و مبانی و نکات سودمند بسیاری آموخته‌ام آن همه خوانندهٔ دیگر هم از خوان فیض ارزان ولی پر بهای این مجلهٔ ارجمند بهره‌مند و برخوردار بوده‌اند . امروز همه بالاتفاق و یکزبان و یکصدا برای بقا و توفیق «ینما» و «ینمای» از صمیم دل و جان دعا می‌کنند و سپاسگزارند .

سید محمدعلی جمالزاده (ژنو)

-۹-

تکریم فضل و هنر و بزرگداشت خدمتگزاران دانش و فرهنگ شیوه ایست فرخنده و بارور. دریغ که در گذشته چنین آئین ثمربخش رایج نبود. بسا هنرمند که از دست هنر خویش فریاده زده و آرزو کرده است که «گوهر خود را به خریدار دیگری عرضه کند. طبعاً در محیطی که قدر معرفت و هنر شناخته نشود ذوق و استعداد پرورش نمی یابد.

این خود دریچه ای است فروغ بخش که در روزگار ما بسدین اصل شریف و انسانی توجهی هست و از خدمتگزاران فرهنگ و دانش قدردانی می شود، هر چند گاهی ناسزاواران نیز داخل مویز شوند.

اینکه در مقام تجلیل از خدمات فرهنگی مجله یفما جشن برپا می شود باعث خوشوقتی و امیدواریست.

مجله یفما سزاوار تکریم است. زیرا در عمر بیست و پنج ساله از روش متین و سودمند خود منحرف نشده و با همه مشکلات مادی و معنوی که در راه این گونه نشریه ها هست و غالباً منجر به آلودگی و انحراف می شود مقاومت کرده و رسالت خود را فراموش نکرده است. هنگامی که استاد عزیز آقای حبیب یفمائی در این وادی گام نهاد جز همت و شوق خدمت سرمایه ای نداشت، و تا امروز با دشواریهای گوناگون مواجه بوده و متحمل رنجها گردیده است. ولی با کمال مناعت و استقامت دامن تر نکرده و از آلودگیهایی که در بسی از این قبیل مؤسسات روی می دهد بر کنار مانده و پیوسته صفحات مجله عرصه مطالب سودمند بوده است.

فکرشوم و نافرجام فزونی «تیرازه هیچگاه نیت خالص و شریف یفمائی را مشوب نساخت و قصد جلب خواننده بیشتر وی را از روش استواری که خود پیش گرفته بود دور نساخت.

قلم وسیله کسب و ارتزاق نیست. مجله و روزنامه و کتاب نباید دکه کسب و تجارت شود. علت غائی این حرفه شریف هدایت افکار عامه، لطیف کردن ذوق مردم، بالا بردن سطح معرفت عمومی است. نه هماهنگی با خواسته های عامه ناس و بالمآل فرو افتادن به ورطه ابتذال. مطبوعات که رکن چهارم حکومت های دموکراسی است و حتی آنرا مهمتر و مؤثرتر از سه رکن دیگری گویند نقش مهمی در اجتماع بر عهده دارد. مطبوعات شریف و سالم وظیفه دار اصلاح خطاها، باز داشتن مردم از کج رویها، مبارزه با جهل و فساد، منعکس ساختن زشتیها و زیان پلیدیها، درهم کوفتن اوهام و خرافات و خلاصه نشان دادن راه صلاح و فضائل انسانی است.

متأسفانه این اصل بزرگ و شریف کم کم فراموش شده است (حتی در میان باختریان). رفیعی بیمارانه بر هادیان افکار و مباشران تبلیغ و اشاعه مستولی شده است که خود را به سطح فرو افتاده ذوق عمومی پایین آورند. از نشر مطالب جلف و بازاری، حتی از همدستانی با اوهام و تمایلات مخالف عقل و اخلاق فاضله پرهیز ندارند.

یک نظر به اغلب نشریات هفتگی و روزانه و عکسهای گوناگون آنها و مباحثاتی که در اطراف مطربان و بازیگران سینما مطرح می شود و حتی شلختگیها، بی بند و باریها، قهرها و آشتیها و صدها امور بازاری و ناسالم از این قبیل با آب و تاب نوشته می شود. یا در مسائل

ادبی جهالت و بیسوادی و حتی دیوانگی نقطه آغاز و ملاک صحت و سقم قرار می‌گیرد. همه اینها شأن مجله‌ای را چون یفما که پاسداری فرهنگ و تاریخ ایران و نکات فاضله را وظیفه خود می‌داند بالامی‌برد و شما را در این اقدام به تجلیل از آن مجله می‌ستاید.

علی دشتی

-۱۰-

کسانی که در تألیف و طبع کتاب و مجله دست دارند می‌دانند برای يك جلد کتاب چقدر باید زحمت کشید و رنج برد و عصبانی شد تا آنرا به صورت مطلوب تقدیم خواننده کرد. بنا بر این وقتی ملاحظه می‌شود که سخنور نحیف ما آقای حبیب یفمائی بیست و پنج سال تمام نیروی خود را به کار برده و حدود سیصد شماره از مجله یفما را در پانزده هزار صفحه منتشر ساخته جز تحسین و تقدیر نمی‌توان برای ایشان نظری ابراز داشت. بویژه که مجله یفما را خصایص و مزایائی است که باید خاطر نشان کرد تا علل تحسین و تقدیر هویدا باشد.

نخست اینکه در اثر جدیت مدیر دانشمند، در این ربع قرن مجله مرتباً انتشار یافته و به ندرت تأخیر و تعلل داشته است.

دوم اینکه موضوعات و مطالبی که منتشر ساخته همگی آموزنده و مفید و جالب و اغلب به قلم نویسندگان نامدار و استادان بزرگ ادب و فرهنگ بوده است.

سوم اینکه تمام شماره‌ها با کمال دقت و نظافت و ظرافت به طبع رسیده، از حیث صحت مندرجات و فصاحت بیان و نداشتن اغلاط چاپی در صف مقدم مجلات ایران بوده است.

چهارم اینکه در صفحات آن تملق و مدهانه راه نیافته است.

پنجم اینکه به سبب خصایص مذکور در ممالکی چون افغانستان و پاکستان و هندوستان رواج پیدا کرده و مایه آبرومندی و تشبید روابط ادبی و فرهنگی ایران با آن کشورها بوده است.

نگارنده که از چهل و چند سال قبل آقای حبیب یفمائی را، از زمان تحصیل در دارالمعلمین مرکزی، می‌شناسد و شاهد علاقه و عشق ایشان به زبان و ادبیات فارسی و ناظر به زحمات و مشقات ایشان در خدمت به فرهنگ ایران بوده پایداری ایشان را در این راه می‌ستاید و از خداوند متعال سلامت و طول پر عمر ایشان را از صمیم قلب مسئلت دارد.

عیسی صدیقی

-۱۱-

مژده بزرگداشت مجله یفما و توقیر و تجلیل از زحمات و خدمات بیست و پنجساله دانشمند بزرگوار جناب حبیب یفمائی دریافت شد. خدا ایام عزت تمام مردان حق بین و حق‌شناس را مستدام بدارد.

من مجله یفما را دوست دارم، یفما پاسدار ادب فارسی است. يك ربع قرن با کمال متانت و عفت آثار برگزیده دانشمندان و محققان و نویسندگان و گویندگان بزرگ معاصر را در اختیار علاقمندان به فرهنگ ایران عزیز نهاده است. در همین حالی که به نیاز زمان

هنایت فراوان داشته ، در برابر امواج سرکش طغیان و عصیان و نوجوییهای بی رویه ، چون سد و صخره‌ای محکم پایداری نموده است . هرگز نویسنده و گوینده‌ای را تحقیر نکرده و با کسی به ستیز و آویز نپرداخته است . بلکه کوشیده با ارائه راه فلاح ، نویسندگان عاصی را اصلاح کند . اکنون ثمره زحمات طاقت فرسای بیست و پنجمین سال جناب یفما بی‌شک به صورت بیست و پنج دوره مجله درآمده که در واقع به مثابه دایرة المعارفی ایرانی است که اگر محققى بخواهد تحقیقی درباره ادب و تاریخ و فرهنگ قرن اخیر ایران به عمل آورد از مراجعه بدان هرگز بی نیاز نخواهد بود .

عبدالعلى كارنگ (تبریز)

-۱۲-

از سال هزار و سیصد و بیست و هفت که مطبوعات کشور داخل مرحله تازه‌ای از تحول شدند و مجله‌های ادبی و انتقادی همچون «محیط» و سپس «یادگار» از ادامه انتشار فرو ماندند شاعر ادیب و دوست حبیب ما جناب آقای یفما که در کار اداره و انتشار مجله‌های آموزش و پرورش و نامه فرهنگستان سابقه تجربه وسیعی مشکور داشت به تأسیس مجله‌غزای یفما پرداخت و خلائی که در این ناحیه از عرصه مطبوعات پدید آمده بود بدین وسیله بینباشت . از آن زمان تاکنون خوشبختانه یفما زبان حال شعرا و ادبا و نویسندگان و پژوهندگان بوده است .

با در نظر گرفتن مشکلاتی که همواره در کار انتشار يك نشریه آزاد ملی وجود داشته و دارد و موانعی که از هر جهت بر سر راه این گونه نشر و توزیع منظم و مستمر دیده میشود باید اعتراف کرد که آقای یفما با دوام انتشار مجله یفما در این مدت طولانی شق القمر کرده است .

یفما آینه صاف و روشنی است که در آن مراتب سعی و هنر و ادب و فعالیت و کاردانی و استقامت شخص یفما بی‌شک از هر فرد دیگری جلوه گر است . کسانی هم که در این مدت به نحوی از انحاء در تحریر و ترجمه و تنظیم و ترتیب مندرجاتش شرکت جسته‌اند از منبع فیض و برکت آن مستفیض گشته‌اند .

اینک موقع را برای تقدیم تهنیتی و امانی و دعای خیر و توفیق در حق یفما و یفمائیان منتقم می‌شمارد و امیدوار است این اساس خیر پایدار و برقرار بماند .

سید محمد محیط طباطبائی

-۱۳-

بزرگداشت استاد حبیب یفما در بیست و پنجمین سال انتشار مجله گرانقدر یفما ، ادای دینی است نسبت به وی . زیرا نه تنها کسانی که در عرض این مدت از مطالعه مجله یفما بهره‌ها برده‌اند و در سراسر جهان فراوانند بلکه برخی از نویسندگان و شاعران نامور و فضیلتی کشور نخست از افق مجله یفما تأییده و درخشانند و در حقیقت قسمتی از نام و شهرت خویش را مدیون یفما و یفما هستند .

آنچه عرض کردم مبالغه و فقط از سر ارادت نیست . بیاد دارم در سال ۱۳۴۳ وقتی

در کتابخانه موزه بریتانیا استاد ینمائی را به آقای مردیث اونس (Meredith - Owens) کتابدار بخش شرقی کتابخانه معرفی کردم ، نخستین نکته‌ای که وی طرح کرد درخواست ارسال شماره هائی از مجله ینما بود که کتابخانه کسر داشت . آقای مردیث اونس تأکید می‌کرد که چون این مجله مورد مطالعه و استفاده فراوان مراجعان و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران قرار می‌گیرد ، بهر نحو ممکن است باید دوره آن را تکمیل کرد .

شادروان استاد فروزانفر در جشن ده دوره نخستین مجله ینما ، نشر صدها مقاله ارجمند را برای این نشریه توفیقی بزرگه شمرده بود (ینما ۱۱ / ۳۷) . اینکه باید آن رقم را به دو برابر و نیم افزایش داد . در این مدت اکثر نویسندگان ینما از دانشمندان بوده‌اند . این خود فضیلتی است که مجله ینما عرصه بروز و ظهور آثار قلمی گروهی از بزرگان ادب فارسی شده است . همین پایگاه والاموجب آمده فضلی دیگر کشورها نیز نشر ثمرات فکر و ذوق خویش را در ینما منتقم‌شمرند و از دور و نزدیک به همکاری قلمی پردازند .

تشویق‌های بی‌کران مدیر ارجمند ینما که گاه به ستایش اهل ذوق و استعداد دانشمندان می‌کشد ، نیز در گرایش صاحب قلمان به سوی مجله ینما بی‌تأثیر نبوده است .

حبیب ینمائی خود نویسنده‌ای است چیره‌دست و شاعری هنرمند . کاش بیشتر می‌نوشت و می‌سرود . مقام و شخصیت ادبی وی ، لطف محضر ، فروتنی ، حق‌پذیری او ، احترام و اعتقاد صمیمانه‌ای که نسبت به اهل فضل و هنر دارد سبب شده است که مجله ینما ، علاوه بر نشر ادب و فرهنگ فضائی پر از گرمی و صفا و دبزمگهی از خلق و ادب، پدید آورد .

مجله ینما در عین حال که روش ادبی متین و استوار خویش را در طی روزگاری دراز حفظ کرده ، تا حدودی جلوه گاه اندیشه‌ها و ذوق‌های گوناگون نیز بوده است . بعبارت دیگر دل بستگی به سرمایه‌های گرانبهای ادب و فرهنگ ایران صفحات مجله ینما را از درخشش افکار نو و بدیع بی‌نصیب نکرده است .

امروز دانش و فرهنگ بیشتر از راه مجلات و نشریه‌ها تر و تازه نگاه داشته می‌شود . یعنی بدایع فکر اندیشه‌وران و لطایف قریحه هنرمندان بیشتر از این راه عرضه می‌شود ، تا بسورت کتاب‌های مستقل . از این رو حتی راه که این گونه مطبوعات در گسترش و رشد شاخه‌های مختلف معرفت بشری دارند نباید از نظر دور داشت .

بی‌هیچ مجامله ، مجله ینما را یکی از ارکان نشر ادبیات فارسی و فرهنگ ایران می‌توان شمرد و خدماتش را در این زمینه باید ستود .

بر روی هم دوره بیست و پنج ساله ینما کتابخانه‌ای است کوچک ولی پر مطلب و بسیار سودمند که به بهائی اندک در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است . اما با خون دل خوردن و تلاش فراوان استاد حبیب ینمائی و عمر سوختن صاحب قلمانی که ثمره سالها مطالعه و اندیشیدن و تجربه خویش یعنی در حقیقت عصاره روح و فکرشان را با اخلاص و صفا از این راه به رایگان در اختیار همگان نهاده‌اند .

دشواری کاری چنین خطیر یعنی نشر مجله‌ای متین در مدت ربع قرن بر کسی که اهل درد باشد پوشیده نیست . خاصه‌با در نظر گرفتن مشکلات و مضایق آن . این گونه خدمتها ، حقیقتاً ، است . بگذرد ، بلند و عشق و فداکاری .

بی گمان مجله یغما نیز ، مانند دیگر مجله‌ها ، در این مدت فراز و نشیب‌هایی داشته که ممکن است گاه مورد انتقاد خوانندگان یا علاقه مندان شده باشد . شاید در بسیاری از آن موارد مدیر سخن شناس مجله نیز نکات مورد نظر را درک می کرده و آرزو داشته نتیجه کار بهتر از آب درآید . اما گاه نتوانسته است به مقصود خویش نایل شود ، باید وارد گود شد و با کمبودها و توقعات و کج‌دار و مریزها روبرو گشت ، آنگاه دید بر طبق اصول کار- کردن چه دشوارست و ایراد گرفته البته از آن آسان‌تر .

استاد یغمائی اگر در سال‌خوردگی از کار مجله می‌نالند حق دارند . اما به عرضشان برسانم همین اعتقاد و احترام اهل ادب به مجله یغما نمودار آن است که خدمتشان مشکورست و به اجرای ممنوی رسیده‌اند که شریف ترین پاداش‌هاست .

بی شک تا وقتی زبان فارسی زنده است و دوستداران و پژوهندگان ادبیات فارسی و معارف ایرانی به‌مندرجات یغما رجوع می‌کنند نام حبیب یغمائی زنده و پایدار خواهد بود . امید آن که عمر پر برکت استاد یغمائی هرچه افزون‌تر و پیشرفت و رونق مجله یغما هرچه بیشتر باشد .

غلامحسین یوسفی

اشعار

-۱-

آسمان گر نقد عمر ما به یغما برده است
در عوض ما خوانی از نعما به یغما برده‌ایم
هر که چیزی باخت در یغما به یغمائی ولیک
ما به یغما دفتر دانش ز یغما برده‌ایم
برده ما نقد عرفان است و کالای کمال
کز چنان یغما چنین گنجی ز نعما برده‌ایم
دفتر یغما بیان شهر غمنامه است و نیست
جز که شادی نامه این دفتر که آنرا برده‌ایم
گنج‌نامه حکمت است این نامه کز هر سطر وی
ره به گنجی فارغ از رنج مقاسا برده‌ایم
و این عجب‌تر کانهمه اکسیر دانش را به نقد
از میان نسختی با صد تجلی برده‌ایم
نی که ما هر پنج گنج محتجب را بی حجاب
در بیان رمز حق زان لوح اسما برده‌ایم
نامه یغما است یغما نامه خوان کمال
کز نفاذش سهمی از نعما و آلا برده‌ایم

ربیع قرن افزون بر آمد کز عطایش بیدریغ
 بیستگانی خورده‌ایم اینجا و تمنا برده‌ایم
 ربیع قرنی کز فنون دانش از بیش و کمش
 خیر دنیا دیده‌ایم و زاد حقیبی برده‌ایم
 هر کجا لفظی به علمی راه برد ، از کاملی
 هم به تعلیم وی آگاهی به معنی برده‌ایم
 هیچ کس از هیچ دانا در نیوشیدن نبرد
 آنچه ما زاین لوح دانش در تماشا برده‌ایم
 و آنچه ما از سر گویائی به تعلیم سکوت
 برده‌ایم ، از فیض این خاموش گویا برده‌ایم
 گاه درس غیرتی از حال آبا خوانده‌ایم
 گاه لوح عبرتی از بهر ایتا برده‌ایم
 گاه در مرآة پندش سوی ماضی دیده‌ایم
 گاه با مرقاة علمش ره به فردا برده‌ایم
 دیده‌ایم از هر مقالی فیض تا دیده‌ایم
 برده‌ایم از هر کمالی سود او تا برده‌ایم
 سود آن شبها کز آنها ره بفکرت خسته‌ایم
 فیض آن دمها کز آنها جان زغمها برده‌ایم
 نظرهای افکنده‌ایم از شوق و استا خوانده‌ایم
 قطره‌ای آورده‌ایم از شور و دریا برده‌ایم
 زاین خزائن برده‌ایم آنها که گوئی فی‌المثل
 گل ز گلشن ، باده از دن ، در ز دریا برده‌ایم

یارب این پیر سخن را پای جهد از جا میر
 کز جهاد و جهد وی نفعی ز هر جا برده‌ایم
 هر کجا اهلی است چون ما بهر مند از سعی اوست
 تا نه پنداری که ما این بهره تنها برده‌ایم
 اوستاد نظم و ، نظم عقد اهل دل حبیب
 کز ضیاء حب وی ره زی احبا برده‌ایم
 دستها زی آسمانها در دعای خیر او
 هم به ذکر بارالها بارالها برده‌ایم

کریم امیری فیروز کوهی

-۲-

ایزدان خو حبیب یفماگی
 آنکه در شارسان علم و ادب
 علمش آهسته سوی خویش کشاند
 مادرش داد شیر پاک و ببین
 کودکی خوش سرشت و دانش دوست
 دعویش گرچه نیست فضلش هست
 بس بکوشید و بس ریاضت برد
 اوست استاد و من کمین شاگرد
 و ادریفا که باشد این شاگرد
 فیض آن محفل خجسته که یافت؟
 کیست کو دل نداد و سر نسپرد؟
 مگر آن کو در اندرون دارد
 جز به یفما و جز به یفماگی
 خوان یفماست گنج باد آورد
 آن همایون صحیفه را که گشود
 سایه نازنین یفما را
 از سر کاروان علم و هنر
 سال عمرش به بیست و پنج رسید

ربع قرنی ز روزگار حبیب
 تا که یفمای او ز هست او
 به مراد جهان حبیب عزیز
 نیم قرن دگر به لطف خدای

آن ملکه خصلت فرشته نژاد
 کاخها شد ز سمی او آباد
 تاش جا در صف نخستین داد
 که از آن شیرپاک خورده چه زاد
 نو جوانی صمیم و مردی راد
 کافکند کاخ علم را بنیاد
 تا که شد در سخنوری ز اوتاد
 من مریدم بدوی و اوست مراد
 دست پسرورد فضل آن استاد
 کش هزاران درود نفرستاد
 پیش آن نیک مرد پاک نهاد
 دلی از سنگ و جانی از پولاد
 دیده ناخرم است و دل ناشاد
 مدهادش بد زمانه به باد
 که ز جان لب به آفرین نگشاد
 که سراسر هدایت است و رشاد
 تا قیامت خدا جدا نکند
 دور قرنش به بیست و پنج رساد

در ره این صحیفه رفت چو باد
 شود آنسان که خواهد آن استاد
 دیر ماناد ماندنی به مراد
 بزباد آن فرشته خو بزباد
 حسین پژمان بختیاری



No. 148

FESTSCHRIFT

HABĪB YAGHMĀĪ

Editor of «Yaghmā»

Edited by

I. Apshar, M. I. Bastani-ye Parizi and Gh. Yūsofi

Tehran, 1977